

نگرشی نوین به مطالعه همگرایی منطقه‌ای: کردارگرایی و کاربست آن در مطالعات همگرایی اروپا

میلاد لطفی^۱

سید جلال دهقانی فیروزآبادی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۶

چکیده

همگرایی منطقه‌ای از مهم‌ترین پدیده‌های بین‌المللی محسوب می‌شود که همواره در روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای از مجموعه ادبیات نظری خاص برخوردار بوده است. نظریاتی چون فدرالیسم، کارکردگرایی، نوکارکردگرایی، نظریه ارتباطات و ... از جمله مهم‌ترین نظریه‌هایی هستند که به صورت خاص در پی تشریح چگونگی همگرایی منطقه‌ای در یک منطقه خاص هستند. «چرخش کرداری» و یا «کردارگرایی» یکی از آخرین دستاوردهای نظری در روابط بین‌الملل محسوب می‌شود که بسیاری از محققان اقدام به کاربست آن در مطالعات همگرایی منطقه‌ای کرده‌اند. مطابق مبانی اصلی این رویکرد نظری، پدیده‌های بین‌المللی برحسب «کردارهای» روزمره بین‌المللی تحلیل می‌شوند. هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی خاص و تکثرگرای این رویکرد نظری موجب شده تا بسیاری از محققان مطالعات اروپا از آن جهت تحلیل و بررسی چگونگی همگرایی در اروپا بهره‌جویند. به همین منظور، در مقاله حاضر برآنیم تا با تشریح این رویکرد نظری به کاربست آن در مطالعات همگرایی اروپا و توسعه آن پردازیم. براین اساس، پرسش اصلی مقاله حاضر این است که کردارگرایی چگونه بر توسعه مطالعات همگرایی در اروپا تأثیر گذاشته است؟ یافته‌های نوشتار حاضر نشان می‌دهد که مطالعات مبتنی بر کردارگرایی درک سنتی‌تر و ادبیات نظری پیشینی از پویایی همگرایی اروپا را به چالش کشیده است. درحقیقت، کردارگرایی نسل جدید محققان مطالعات اروپا را وادار کرده تا در رابطه با مفروضات اصلی اتحادیه اروپا تجدیدنظر کرده و فراتر از هستی‌شناسی و روش‌های وابسته به نظریه‌های موجود در روابط بین‌الملل به صورت عملی و با مطالعه میدانی از کردارها، عملکردها و فعالیت‌های اجتماعی روزمره در نهادهای وابسته به اتحادیه اروپا به مطالعه و تحقیق همگرایی در اروپا پردازند.

واژگان کلیدی: همگرایی منطقه‌ای، کردارگرایی، اروپا، فعالیت‌های روزمره.

۱. دانشجوی دکتری، مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول). s.m.lotfi1997@gmail.com

<https://orcid.org/0000-0002-2819-7701>

۲. استاد، روابط بین‌الملل. دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

روابط بین‌الملل ذاتاً یک علم اجتماعی است و از علوم اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. از سویی دیگر، روابط بین‌الملل یک علم سیال در علوم اجتماعی محسوب می‌شود که با چرخش‌های نظری مختلف در علوم انسانی و علوم اجتماعی تحول پیدا می‌کند. «چرخش کرداری»^۲ یکی از جدیدترین چرخش‌های نظری در علوم اجتماعی محسوب می‌شود که زمینه‌های نظری آن به روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای نیز ورود کرده است. پیر بوردیو از اولین محققان علوم اجتماعی بود که با اولین مطالعات خود در حوزه کرداری و انتشار کتاب مشهور خود تحت عنوان «طرح کلی نظریه کردار» از مفهوم «کردار» و نقش آن در مسائل جامعه و سیاست بحث کرد. بوردیو کردار را مجموعه‌ای از روابط جاافتاده در کنشگران موجود در جامعه در نظر می‌گرفت که از طریق منطق عقلایی درک نمی‌شود. به عبارتی بهتر، کردار کنش‌های الگومند به لحاظ اجتماعی معناداری است که کمابیش به صورت مشخصی در جامعه اجرا می‌شود. براین اساس، کردار می‌تواند هر نوع از نتایج زندگی (عادت‌ها و رفتارها) را دربرگیرد.

مهم‌ترین مشخصه این کردارها در جامعه نیز گفتمانی و بینادهنی بودن آن است. به تعبیر صاحب‌نظران مطرح در این حوزه، کردارها حاصل تعامل و تأثیر و تأثر ساختار و کار گزار بر یکدیگر هستند (رویکرد تعاملی). از سویی دیگر، کردار امری بینادهنی است که از ترکیب فعالیت‌های بدنی، مصنوعات مادی و درک و فهم مشترک عملی حاصل می‌شود. بنابراین، نمی‌توان کردار را امری صرفاً مادی و عینی و یا در مقابل ذهنی و غیرمادی در نظر گرفت. براین اساس، کردار نه برآمده از عوامل مکانیکی و نه برانگیخته الهامات درونی، بلکه پدیده‌ای است که بدون اینکه نسبت به یک هدف مشخص به صورت خودآگاهانه سازماندهی شده باشد واجد نوعی قطعیت عینی می‌شود و قابل فهم است بدون اینکه از یک نیت معین و تصمیم عامدانه برخاسته باشد (عمل پراگماتیک). براین اساس، کردار هر گونه دوگانه‌انگاری (میان عین و ذهن، ساختار و کار گزار، ماده و معنا) را رد می‌کند و از منظر هستی‌شناسی نیز در مقابل جوهرگرایی به رابطه‌گرایی تمایل دارد. از این منظر، کردار با کنش و رفتار در علوم اجتماعی متفاوت است، به طوری که رفتار معطوف به سویه مادی عمل بوده، کنش معطوف به معنادار بودن فعل در سطح سوژگی و بینادهنی است و در نهایت کردار معطوف به افعال الگومند دارای ساختار منسجم است.

بدین طریق، با پررنگ شدن مفهوم کردار در علوم اجتماعی و به طور خاص جامعه‌شناسی فرانظریه‌ای تحت عنوان «کردارگرایی» در علوم اجتماعی ظهور کرد. براین اساس، کردارگرایی به عنوان نسخه جدیدی از

چرخش نظری در علوم اجتماعی به روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای نیز وارد شد و دستاورد نظری نوینی تحت عنوان «کردارگرایی در روابط بین‌الملل» را به حوزه نظری علم روابط بین‌الملل افزود. براساس چارچوب این رویکرد نظری نوین در روابط بین‌الملل، کردارهای بین‌المللی مهم‌ترین واحد و سطح تحلیل هستند که با در نظر گرفتن آنها می‌توان به تلفیق نظری و عملی و همچنین تبیین تجربی و علمی از پدیده‌های بین‌الملل پرداخت. کردار در روابط بین‌الملل نیز تحت عنوان عادت‌واره‌ها و یا الگوهای کنش‌مندی در نظر گرفته می‌شوند که کنشگران بین‌المللی بر حسب عادت، دانش کاربردی و منطق عملی بودن آن را انجام می‌دهند.

به‌عبارتی بهتر، با اقتباس مفهومی از کردار در علوم اجتماعی می‌توان کردار در روابط بین‌الملل را الگوهای تکراری در نظر گرفت که به‌صورت ناخودآگاه در نظام بین‌الملل نهادینه شده‌اند. کردارهای بین‌المللی نیز در اینجا می‌تواند شامل مذاکرات و رویه‌های دیپلماتیک و رویه‌های موجود در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای باشد. باید به این موضوع توجه کرد که بسیاری کردارگرایی در روابط بین‌الملل را نسخه تحول‌یافته سازه‌انگاری در نظر می‌گیرند، اما تفاوت مهم کردارگرایی با نسخه سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل این است که در کردارگرایی کردارهای عملی به‌عنوان یک متغیر مستقل در نظر گرفته می‌شود. ازسویی دیگر، کردارها در روابط بین‌الملل به‌صورت انگاره‌ها و سازه‌های برساخت‌گرایانه‌ای در نظر گرفته می‌شوند که به‌شکلی عمل‌گرایانه و بدنمند مورد مطالعه قرار می‌گیرند. این درحالی است که در سازه‌انگاری مفاهیم و پدیده‌ها به‌صورت انگاره‌ها و سازه‌های ذهنی و انتزاعی در نظر گرفته می‌شوند. در نتیجه، کردارگرایی با مطالعه و مشاهده عملی این انگاره‌ها بر رویکرد انتزاعی سازه‌انگاری فائق می‌آید.

بنابراین، بر اساس کردارگرایی در روابط بین‌الملل مفاهیم نظری و تحولات عملی در نظام بین‌الملل و مناطق مختلف در چارچوب مفاهیم موجود در کردارگرایی مورد بازبینی قرار گرفت. یکی از زمینه‌های نظری روابط بین‌الملل که کردارگرایی به آن ورود کرد و زمینه تحولات جدیدی را در آن بوجود آورد، حوزه مطالعات همگرایی منطقه‌ای و به‌طور خاص همگرایی در اروپا بود. درحقیقت، عدم کفایت ادبیات موجود در حوزه نظری همگرایی منطقه‌ای موجب شد تا بسیاری از محققان و دانشوران روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای با برجسته کردن مفهوم کردار در حوزه همگرایی و همچنین با استفاده از روش‌های عملی و میدانی، اقدام به ارائه نگرشی نوین در حوزه همگرایی اروپایی کنند. وجود محدودیت‌های مدل‌های ساختارگرایانه و سیستمی و درعین حال فردگرایی روش‌شناختی ادبیات نظری مطرح در همگرایی منطقه‌ای مهم‌ترین دلیل توجه به کردارگرایی بود، زیرا کردارگرایی با حل تنش بین ساختار و کارگزار

در تحلیل و در نظر گرفتن یک هستی‌شناسی فرآیندی و بازاندیشی در نحوه عملکرد قدرت، اقدام به ارائه تحلیلی جامع و پویا از نوع همگرایی در منطقه ارائه می‌کند.

براین اساس، در این مقاله با تأکید کلیدی بر مفهوم کردار و کار بست آن در مطالعات منطقه‌ای، همگرایی در اروپا را مورد بررسی و تحلیل قرار خواهیم داد. مبتنی بر این امر نشان خواهیم داد که نسل جدید محققان مطالعات اروپا با استفاده از مبانی فرانظریه کردارگرایی و با مطالعه میدانی در سطح روزمره چگونه اتحاد و همگرایی در اتحادیه اروپا را مورد مطالعه قرار داده‌اند. بر همین اساس، پرسش مقاله حاضر این است که کردارگرایی چگونه بر توسعه مطالعات همگرایی در اروپا تأثیر گذاشته است؟ یافته‌های نوشتار حاضر نشان می‌دهد که مطالعات مبتنی بر کردارگرایی درک سنتی تر و ادبیات نظری پیشینی از پویایی همگرایی اروپا را به چالش کشیده است. کردارگرایی نسل جدید محققان مطالعات اروپا را وادار کرده تا در رابطه با مفروضات اصلی اتحادیه اروپا تجدید نظر کرده و فراتر از هستی‌شناسی و روش‌های وابسته به نظریه‌های موجود در روابط بین‌الملل به صورت عملی و با مطالعه میدانی از کردارها، عملکردها و فعالیت‌های اجتماعی روزمره در نهادهای وابسته به اتحادیه اروپا به مطالعه و تحقیق همگرایی در اروپا بپردازند.

چارچوب نظری؛ فرانظریه کردارگرایی در روابط بین‌الملل

فرانظریه کردارگرایی یک چشم‌انداز فکری گسترده‌ای را در علوم اجتماعی تشکیل می‌دهد و ریشه در پدیدارشناسی و نظریه انتقادی دارد. بذرخش کردارگرایی در علوم اجتماعی و انسانی در اواخر دهه ۱۹۶۰، و همزمان با برخی چرخش زبان‌شناسی و فهم زبان‌شناسانه از متون متعارف کاشته شد. این مکتب نظری که از فلسفه، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی سرچشمه می‌گیرد، علاوه بر توسعه در علوم اجتماعی در مطالعات سازمانی و مدیریتی، اخیراً نیز در روابط بین‌الملل توسعه چشمگیری داشته است. هدف این فرانظریه نیز حل تنش بین ساختار و کار گزار در تحلیل و ارائه یک هستی‌شناسی فرآیندی و بازاندیشی در نحوه عملکرد قدرت بوده است.

در روابط بین‌الملل، کردارگرایی بر مبنای فرانظریه‌ای خاص استوار است که آن را از سایر نظریه‌های روابط بین‌الملل متمایز می‌کند، این نظریه بر «مناگرایی تکثرگرا» مبتنی است. نوعی از هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی تکثرگرا و گلچینی که فراتر از دوگانه‌انگاری فرانظری و فلسفی رایج در نظریه‌های متعارف بکار می‌رود. به گونه‌ای که در هستی‌شناسی رابطه‌ای آن، هرگونه دوگانه‌های ماده-معنا، ساختار-کار گزار، عین-ذهن، نظریه-عمل و تکوین-تعلیل منحل می‌شوند (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۴۰۱: ۱۹۵).

می‌توان اذعان کرد که در حال حاضر روابط بین‌الملل متأثر از این «چرخش کرداری» است. مهم‌ترین بن‌مایه این نظریه مفهوم «کردار»^۴ است. کردارها را می‌توان به‌عنوان الگوهای از کنش معنادار تعریف کرد که مشروط به درک موقعیت هستند و از طریق تعامل انسانی بازتولید می‌شوند. یکی از بینش‌های کلیدی این نظریه نیز این است که «الگوهای روزمره»^۵ (آنچه که به‌صورت عادت در جامعه اتفاق می‌افتد) برای تولید و بازتولید جهان اجتماعی تأثیرگذار هستند (Schatzki, 2002: 2). از لحاظ مفهومی نیز باید به این موضوع توجه کرد که کردار با رفتار و عادت همپوشانی دارد، اما ویژگی بارز یک کردار این است که از نظر بینادنی برای بازیگران نیز معنادار است (Lechner & Frost, 2018: 159). بر این اساس، می‌توان کردارها را به‌عنوان «رابطه‌ای باز و پراکنده از نظر مکانی-زمانی از کارها و گفته‌ها» تعریف کرد (Schatzki, 2012: 14). هدف این رویکرد نظری نیز رهایی عامل یا کارگزار - و تجربه انسانی و بدنی جهان - از محدودیت‌های مدل‌های ساختارگرایانه و سیستمی و در عین حال اجتناب از دام فردگرایی روش‌شناختی است. بر این اساس، کردارگرایی با راهنمایی محققان و در نظر گرفتن شیوه‌ها و روش‌های نوین عملی به‌عنوان نقطه شروع تحلیل، فراتر از دوگانگی‌های معمول اجتماعی-نظری که تاکنون با بن‌بست نظری مواجه شده‌اند، پیش می‌رود (Stappert, 2020: 7). فرض اصلی نظریه‌پردازان کردارگرا نیز این است که دانش مشترک، معرفتی و کرداری است. در نتیجه، کردارگرایان قویاً بیش از هر چیز به زندگی روزمره توجه می‌کنند. در چنین شرایطی، افراد کردارهای معمولی زندگی خود را انجام می‌دهند و از این طریق، نظم‌ها تولید و بازتولید می‌شوند. از سویی دیگر، هرگونه انگیزه مفروضی که در پس کنش‌ها قرار داد، کمتر مورد توجه نظریه‌پردازان کردارگرا قرار می‌گیرد. تمرکز تحلیلی آنها بیشتر معطوف به فعالیت‌های عینی و کارنموده‌هایی^۶ است که آنها به‌نمایش می‌گذارند و بنابراین موقعیت‌ها و شرایط، بیش از خود کنشگران برای آنها اهمیت دارد (بیوگر و گادنیجر، ۱۴۰۰: ۲۸).

ایور بی نویمان^۷ یکی از اولین محققین روابط بین‌الملل بود که با تکیه بر «چرخش کرداری» در علوم اجتماعی از محققان علم روابط بین‌الملل درخواست کرد تا با استفاده از این مکتب نظری به سمت مطالعه رویه‌های موجود در روابط بین‌الملل روی آورند. او در مقاله خود در سال ۲۰۰۲ نشان داد که تحلیل‌های روابط بین‌الملل بیش از حد به شیوه‌های روایی متکی شده، در حالی که محققان این رشته عمدتاً از

4. Practice
5. Everyday Ways-of-Doing
6. Performance
7. Iver B. Neumann

مطالعه کنش‌های اجتماعی مشخص در روابط بین‌الملل غفلت کرده‌اند (Neumann, 2002: 627). براین اساس، وی ضمن مطالعه تغییر دیپلماسی نیروژ، بر تعامل بین گفتمان‌ها و کردارها تمرکز و بر تقویت روابط متقابل آنها تأکید کرد (Neumann, 2002: 651).

انگیزه بعدی برای ورود فرانظریه کرداری به روابط بین‌الملل در سال ۲۰۰۸ اتفاق افتاد. این بار خود کردار اجتماعی بر تحلیل‌ها تسلط یافت و فضای کمی برای گفتمان باقی ماند. در این راستا، *مانوئل آدلر*^۸ از رویکرد کرداری استفاده کرد تا نشان دهد چگونه ویژگی‌ها و اقدامات «جوامع کرداری»^۹ بر گسترش جوامع امنیتی تأثیر می‌گذارد (Adler, 2008). در سال‌های بعد در کارهای مشترک *مانوئل آدلر* و *وینسنت پولیو*^{۱۰}، یک رویکرد تئوریک پیچیده‌تر از رویکرد کرداری در روابط بین‌الملل ایجاد شد. آنها یک تعریف قانع‌کننده از کردار و همچنین یک دستگاه تحلیلی برای بررسی تجربی آن ارائه کردند. به علاوه، آنها به مسئله دگرگونی کردار نیز پرداختند و تشخیص دادند که بین تکرار یا عمل الگو و امکان تغییر آن تنش وجود دارد (Adler & Pouliot, 2011). در نتیجه، می‌توان اذعان کرد که نظریه کرداری در روابط بین‌الملل با بسط نظری خود مواجه شد.

نقطه عزیمت نظریه کرداری در روابط بین‌الملل نیز تمرکز بر کردها و گفته‌های کنشگران، دست‌اندرکاران و متصدیان امر سیاست بین‌الملل بوده و توجهات به سمت منش زندگی روزمره در جهان سیاست است. براین اساس، نظریه پردازان کرداری بر این باورند که برای ادراک ساحت سیاست بین‌الملل، هیچ راهی جز بررسی و تبیین آنچه واقعا و در عمل در صحنه امور جهانی رخ می‌دهد نداریم. به بیان دیگر، روابط بین‌الملل از این منظر همان کردارها و نقش‌آفرینی‌های زبانی-کرداری دیپلمات‌ها و سیاستمداران است (بیوگر و گادنیجر، ۱۴۰۰: ۵). بدین طریق می‌توان کردارهای بین‌المللی را بر مبنای منطق عادت و یا عادت‌واره^{۱۱} تشریح کرد. به طوری که در اکثر اوقات، کنشگران بین‌المللی به گونه‌ای که عادت کرده‌اند، عمل و رفتار می‌کنند. در اینجا، عادت‌ها، محرک رفتار کنشگران بین‌المللی هستند و کردارها را ایجاد می‌کنند. به صورتی که بیشتر رفتارها و کردارهای کنشگران، طبق عادت، بدون فکر، ناخودآگاه و ناآگاهانه صورت می‌گیرد. چون عادت‌ها ناخوابسته، ناخودآگاه، غیرارادی و خودکارند و در نتیجه، بدیهی، واضح، همه‌فهم و غیرعقلانی‌اند که نیازی به تفکر و تأمل ندارند (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۴۰۱: ۲۰۳-۲۰۴).

8. Emanuel Adler
9. Communities of Practice
10. Vincent Pouliot
11. The Logic of Habits or Habitus

کردارگرایی و مطالعات همگرایی در اروپا

برخی از محققان اولیه همگرایی اروپا به مطالعه همگرایی در اروپا به شیوه کردارگرایی توجه داشته‌اند، گرچه هنوز کردارگرایی در آن دوره به این شکل قوام و توسعه نیافته بود. به‌عنوان مثال، کارل دویچ^{۱۲} در «نظریه ارتباطات» خود استدلال می‌کند که کانال‌های ارتباطاتی، تحرک مردم در آن سوی مرزها، تراکم تجارت و غیره باعث ایجاد علایق و هویت‌های مشترک می‌شود و در نتیجه این امر از منظر دویچ یکپارچگی اروپایی را ارتقاء بخشید (Deutsch, 1957). دویچ بر همین اساس پیشنهاد کرد که تکرار فعالیت‌های ارتباطاتی مثل تلفن صحبت کردن برای اروپا به عنوان یک «جامعه امنیتی» بسیار مهم است. بسیاری معتقدند که این استدلال دویچ را می‌توان در یک قالب نظری کردارگرایانه توضیح داد، اگرچه بُعد کرداری هرگز در نظریه دویچ به‌صراحت بیان نشده است (Adler-Nis- sen, 2015: 3).

باید به این موضوع توجه کرد که در دهه‌های گذشته، تعدادی از رویکردهای نظری در روابط بین‌الملل چگونگی همگرایی در اروپا را براساس نگاه خود تشریح کرده‌اند. درحالی که این رویکردهای نظری، مفاهیم موجود در مورد یکپارچگی و همگرایی اروپایی را به چالش کشیده‌اند، اما همگی آنها یک چیز مشترک دارند و آن این است که آنها تا حد زیادی بر ابعاد نهادی و نظارتی سیستم اتحادیه اروپا متمرکز شده‌اند. محرک‌های اصلی همگرایی و یکپارچگی اروپا از نگاه این رویکردهای نظری در سیاست‌های دولت‌های محلی، احزاب سیاسی و گروه‌های ذینفع در نظر گرفته می‌شود. علاوه بر این، هدف اصلی آنها اغلب به‌دست آوردن روابط علت و معلولی خاص، شناسایی متغیرهای مداخله‌گری مانند «بازیگران دارای حق و تو» بوده است تا بررسی ابعاد زندگی روزمره، که به واسطه کردارها، عادت‌ها و مناسک میسر می‌شوند (Peltonen & Traisbach, 2021: 510). اما در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، اتحادیه اروپا برحسب «شیوه‌های جدید حکمرانی» مفهوم‌سازی شد (Kohler-Koch & Rittberger, 2006: 44).

محققان اتحادیه اروپا مفاهیمی جدیدی را وارد علم سیاست کردند و به‌طور مؤثری با در نظر گرفتن اتحادیه اروپا به‌عنوان نهادی متشکل از بازیگران دولتی و غیردولتی، بحث‌های وابسته به نظریه‌های انتزاعی همگرایی کنار گذاشته شد (Hix, 1998: 56). با وجودی که مسائل روزمره و کرداری در انتهای چرخه حکمرانی برای مطالعه اروپایی بود، اما محققانی شروع به مطالعه اجرای قوانین اتحادیه اروپا در حوزه‌های سیاستی خاص یا در بین کشورهای عضو کردند. براین اساس، آنها مفاهیم پیچیده‌تری از نهادهای اتحادیه اروپا و روابط بین آنها ارائه کردند (Nau-

(rin & Rasmussen, 2011: 10).

در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰، نیز برخی از محققین متمایل به سازه‌نگاری در روابط بین‌الملل شروع به طرح سؤالاتی کردند که با نظریهٔ کردار گرایی اشتراکاتی داشت. آنها استدلال می‌کردند که رهبران اتحادیهٔ اروپا در چارچوب سیاست‌های گسترش به شرق در دام لفاظی‌هایی افتاده‌اند که سیاست‌های هویتی اتحادیهٔ اروپا را شکل داده است و اینکه هویت‌های غیر اروپایی (دیگری) بر هویت‌های اروپایی تأثیر گذاشته‌اند (Diez, 2004: 325). اما بحث اصلی محققان متمایل به سازه‌نگاری در مطالعهٔ اتحادیهٔ اروپا بیشتر بر نقش گفتمان در تصمیمات سیاسی نهاده شده و مقتدرانه، هویت اروپایی، اجتماعی شدن و یادگیری متمرکز بود. آنته وینر^{۱۳} از اولین محققان سازه‌نگار بود که در مطالعاتش با تکیه بر شیوه‌های کرداری و روزمره بر موضوع شهروندی در اتحادیهٔ اروپا و نقش آن در همگرایی اروپایی تمرکز کرد (Wiener, 1993).

باین حال، این ادبیات (ادبیات سازه‌نگارانه) حداقل از دو جهت مهم با نظریهٔ کرداری تفاوت داشت: اول اینکه این ادبیات با تمرکز بیش از حد بر روی کنش‌های گفتمانی، لایه‌های ضمنی و یا ناخودآگاه دانش که سازماندهی نمادین واقعیت را ممکن می‌سازد، نادیده می‌انگاشت. دوم اینکه سازه‌نگاری به‌طور سنتی بیشتر به بررسی چگونگی رفتار هنجاری کشورهای عضو و مقامات اتحادیهٔ اروپا تمایل داشت تا بررسی تحولات تصادفی، روزمره و غیرعمدی همگرایی اروپا (Bueger & Gadinger, 2015: 254). با وجود این، بعضی از محققان سازه‌نگار در بررسی تأثیر قوانین ضمنی و فرهنگ مذاکره در کمیسیون‌های داخلی اتحادیهٔ اروپا بر نتیجهٔ مذاکرات به کشف «مناسک»^{۱۴} و کردارهای موجود در اتحادیهٔ اروپا توجه کردند که این امر به تولید ویژگی‌هایی مانند «انعکاس اجماع»^{۱۵} در مذاکرات شورای اتحادیهٔ اروپا کمک کرد (Checkel, 2005: 810). از سویی دیگر، محققانی که رویکردی سازمانی و مدیریتی به مطالعهٔ اتحادیهٔ اروپا داشتند نیز نزدیک‌ترین رویکرد را به کردار گرایی در روابط بین‌الملل در بررسی امور روزمره در حکمرانی اروپا اتخاذ کردند. آنها روال فعالیت‌های روزانه در اتحادیهٔ اروپا را به‌عنوان ستون فقرات نهاد اتحادیهٔ اروپا و ثبات آن در نظر می‌گرفتند. به‌طور مثال، کارولین بان^{۱۶} از طریق انجام ۱۴۰ مصاحبه و کار میدانی گسترده، جامعه‌شناسی دقیقی از کارمندان اتحادیهٔ اروپا از جمله اینکه چگونه افراد از امکان درخواست برای مشاغل اتحادیهٔ اروپا آگاه می‌شوند و چگونه کارکنان جدید با مشخصات معمول یک مقام اروپایی مطابقت پیدا می‌کنند، ارائه می‌کند (Ban, 2013).

13. Antje Wiener

14. Rituals

15. Consensus-Reflex

16. Carolyn Ban

در نتیجه، پیش از آنکه نظریه کرداری در روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای بسط پیدا کند، مبانی آن برای بررسی عمیق‌تر چگونگی همگرایی اروپایی از منظر نظریه‌های تأمل‌گرا و انتقادی مورد استفاده واقع می‌شد. اما در دهه ۲۰۱۰، بسیاری از محققان به این نتیجه رسیدند که کردارگرایی می‌تواند به صورت مستقل وارد مطالعات همگرایی اروپا شود. زمینه توجه آنها به این حوزه نیز به هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی خاص، عمیق و تکثرگرای این رویکرد نظری باز می‌گشت. کردارگرایی برای توضیح چگونگی همگرایی اروپایی در قالب دو رویکرد «سازمان‌یافته»^{۱۷} و «روزمره»^{۱۸} کردارها وارد ادبیات نظری مطالعات اروپا شد. رویکرد «سازمان‌یافته» کردارها بر چگونگی سازماندهی کردارها در «میادین اجتماعی»^{۱۹} (Bourdieu, 1977) و یا «جامعه‌های کرداری»^{۲۰} (Wenger, 1998) تمرکز دارد. در نظریه کرداری پیر بوردیو، تمرکز زیادی بر روش‌هایی وجود دارد که در آن افراد، موقعیت برتر یا پایینی خود را در یک شبکه اجتماعی ساده در نظر می‌گیرند و حالت‌های خود را در وضعیت‌های بدنی مانند نحوه ایستادن، نشستن، نگاه کردن، صحبت کردن و یا پیاده‌روی نشان می‌دهند (Bourdieu, 1977: 15). اما مسئله اصلی/تین ونگر^{۲۱} بیشتر از اینکه فهم چگونگی تسلط بر ایده‌ها یا گروه‌هایی از مردم باشد، فهم چگونگی تقویت فرآیندهای یادگیری و همکاری در «جامعه‌های کرداری» است (Wenger, 1998: 85). با تکیه بر آرای ونگر، امانوئل آدلر و وینسنت پولیو کردارها را به عنوان «الگوهای معنادار اجتماعی که به طور هم‌زمان در کنش تجسم می‌یابند و دانش و گفت‌وگو را در جهان مادی تجسم می‌بخشند» تعریف می‌کنند (Adler & Pouliot, 2011: 6). آنها کردار را از دو مفهوم رفتار و کنش متمایز می‌کنند. به طوری که از منظر آنها رفتار جنبه مادی انجام دادن فعل را در بر می‌گیرد. در مقابل، کنش در هر دو سطح ذهنی (نیت‌ها، باورها) و بین‌الذاتانی (هنجارها، هویت‌ها) لایه‌ای از معنا را اضافه می‌کند. از این منظر، کردارها می‌توانند هر چیزی باشند، از مذاکره در شورای وزیران گرفته تا بازی هاکی یا قاچاق مواد مخدر. چنین فعالیت‌هایی شامل مهارت‌ها و تکنیک‌هایی است که می‌تواند از نظر سایر انجام‌دهندگان کردار به شکل بهتر یا بدتر انجام شود. در مطالعات اتحادیه اروپا، این رویکرد «سازمان‌یافته» از نظریه کرداری بر فعالیت‌های روزانه سیاست‌گذاران اتحادیه اروپا و سیاست‌های اتحادیه اروپا، مردم و آثار باستانی اروپایی و همچنین مشارکت در طیف وسیعی از کردارها، سلسله‌مراتب و زمینه‌های اجتماعی متمرکز است.

17. Organised
18. Everyday
19. Social Fields
20. Communities of Practices
21. Etienne Wenger

درمقابل، رویکرد «روزمره» به کردارها از رویکرد «سازمان‌یافته» متفاوت است، زیرا نیازی به شناسایی رفتار شایسته یا سرمایه‌های اجتماعی در درون سیستم ندارد. بر همین اساس، این امر به آن پتانسیل رهایی‌بخش در تحقیقات می‌دهد. زیرا بر افراد عادی و تجربیات آنها از روابط گسترده‌تر قدرت تمرکز دارد (Hobson & Seabrooke, 2009: 290-306). در اینجا رویکردهای روزمره شامل دغدغه «زندگی روزمره» و همچنین چگونگی تجلی زندگی روزمره در بدن، مناظر شهری، مصرف و ... است (Lefebvre, 2002: 85). بنابراین، در مطالعات کرداری اتحادیه اروپا، رویکرد روزمره بر افراد به‌ظاهر عادی یا زیردست، گروه‌های غیرنخبگان، از جمله طبقات متوسط و متوسط روبه پایین، کارگران مهاجر و مهاجرانی که زندگی شان توسط اتحادیه اروپا شکل گرفته و توانایی آنها برای تغییر محیط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود تمرکز می‌کند.

به هر صورت، کردارگرایی از سوی بسیاری از محققین مطالعات اروپا مورد استقبال قرار گرفت، زیرا از منظر آنها کردارگرایی فعالیت‌های انسانی را با تجزیه آن به کردارهای مختلف تفسیر می‌کند و این فعالیت‌های کرداری را خوشه‌های پایدار و ساختاریافته از رفتارها، کنش‌های ارتباطی همراه با فعالیت‌های ذهنی و بدنی در نظر می‌گیرد. کردارگرایی بر درک موقعیت‌هایی تأکید می‌کند که ثبات ظاهری سیستم‌های اجتماعی (از جمله اتحادیه اروپا) را به‌عنوان خروجی احتمالی و عامل محوری پنهان می‌کنند. به‌عنوان مثال، با در نظر گرفتن شورای اروپا، این امر مستلزم ردیابی فعالیت‌های اجتماعی است که باعث می‌شود شورای اروپا به آنچه هست تبدیل شود. این امر نیز صرفاً با متمرکز شدن بر روی افراد و وسایل موجود در شورا انجام می‌شود. به‌عنوان مثال، بررسی انتخاب مکان، دکوراسیون اتاق‌های ملاقات، منو و غذا برای شام سران دولت‌ها و حکومت‌ها می‌تواند زمینه تحلیل کرداری از شورای اروپا را میسر کند (Neumann, 2012: 154). باین حال، درک چنین جنبه‌های معمولی دشوار است، زیرا اغلب به دنیای ناگفته‌ها و بدیهی‌ها تعلق دارند. بر همین اساس، مهم‌ترین کار این است که عناصر کلیدی در نظریه کردار و ویژگی‌های شاخص و محوری آن را در مطالعات همگرایی در اروپا بیشتر روشن کنیم.

ویژگی‌های محوری و شاخص کردارگرایی در مطالعه همگرایی اروپا

همان‌طور که در بخش‌های پیشینی اذعان شد، کردارگرایی در روابط بین‌الملل به دلیل برخورداری از هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی خاص نسبت به جریان سنتی نظری مطالعات اروپا، موضوع همگرایی در اتحادیه اروپا را از منظری خاص تحلیل می‌کند. بر این اساس، در این بخش به ویژگی‌های محوری کردارگرایی که آن را در بررسی و مطالعه همگرایی در اروپا نسبت به سایر نظریات مطرح در این حوزه خاص

می‌کند، خواهیم پرداخت.

۱) عمل‌گرایی در رویکرد مطالعاتی: استفاده از تحلیل‌های جامعه‌شناسانه و انسان‌شناسانه

رویکرد کردارگرایی در روابط بین‌الملل زمینه انجام تحقیقات عمیق‌تر را در حوزه مطالعه اروپا فراهم آورده است. درحقیقت، کردارگرایی با فراهم کردن پیش‌زمینه حضور مباحث جامعه‌شناسانه، انسان‌شناسانه و ... به مطالعه اروپا، بررسی عمیق‌تر متغیرهای و عواملی که نظریات پیشینی به همگرایی اروپا به آنها کمتر توجه می‌کردند را پوشش می‌دهد. انسان‌شناسی یکی از مهم‌ترین رشته‌های علم اجتماعی است که اندیشمندانی که متمایل به استفاده از کردارگرایی در مطالعات اروپا بوده‌اند از آن در تحقیقات خود استفاده کرده‌اند. *مریون مک‌دونالد*^{۲۲} از جمله انسان‌شناسانی هست که از طریق قوم‌نگاری کمیسیون اروپا نشان داده که مقامات این کمیسیون با واحدهای مختلف در ساختار سازمانی هم‌ذات‌پنداری می‌کنند، برای مثال او اشاره می‌کند که «مقامات کمیسیون اتحادیه اروپا به‌طور مداوم تمایزات فرهنگی جدیدی ایجاد می‌کنند که می‌تواند سیاست اتحادیه اروپا را شکل دهد» (McDonnald, 2000).

همچنین، کریس شور^{۲۳} سیاست‌های فرهنگی اتحادیه اروپا را پس از بحران ماستریخت تحلیل می‌کند و دیدگاهی درونی از کمیسیون اروپا ارائه می‌دهد. او نشان می‌دهد که چگونه هویت اروپایی از طریق ابتکارات تکنوکراتیک و مدیریتی در کمیسیون که می‌تواند شامل ارائه یارانه‌هایی به مطالعات اتحادیه اروپا در دانشگاه‌ها و یا تلاش‌هایی برای تشویق استفاده گسترده‌تر از پرچم و سرود اروپایی باشد، تغییر می‌کند. کریس شور از نظر روش‌شناختی نیز مفاهیم انتزاعی «هویت اروپایی» و «عمومی اروپایی» را از دیدگاه کارمندان دولت تحلیل می‌کند و مسیر یا ماهیت ایده اروپایی را در سطح کرداری بررسی می‌کند (Shore, 2011: 291). براین اساس، با عطف به چگونگی همگرایی اتحادیه اروپا از پایین، از اواخر دهه ۱۹۸۰، مردم‌شناسان زندگی روزمره و سیاست را در مناطق مختلف اروپا مطالعه کردند. بسیاری از این مطالعات بر روی افراد و مکان‌هایی با روابط مبهم با اروپا و اتحادیه اروپا متمرکز شده بودند (Mitchell, 2000). *مونیکا ساساتلی*^{۲۴} از مشاهدات مشارکت‌کنندگان و مصاحبه‌های بدون ساختار برای ردیابی نحوه اجرای سیاست‌های فرهنگی و «شهر فرهنگی اروپا» توسط مقامات و هنرمندان استفاده کرد و نشان داد که چگونه جوامع محلی فرهنگ اروپایی را می‌سازند. او اشاره می‌کند که نتایج سیاست فرهنگی اتحادیه اروپا را نمی‌توان به اهداف و

22. Maryon McDonnald

23. Cris Shore

24. Monica Sasatelli

سیاست‌ها تقلیل داد (Sassatelli, 2000: 37-38).

همچنین مطالعاتی انجام شده که نشان می‌دهد چگونه برخی از افراد خود را اروپایی معرفی می‌کنند. نمونه‌ای از تعامل انسان‌شناسی با چنین موضوعاتی، پژوهش *آدریان فاول*^{۲۵} است. فاول ردیابی شهروندان اروپایی را هنگام عبور از مرزها و سوءاستفاده از رفت‌وآمد آزادانه مردم ردیابی می‌کند. او با تکیه بر ده سال تحقیق قوم‌نگاری در *آمستردام، بروکسل و لندن*، مصاحبه‌ها و تاریخچه زندگی ۶۰ اروپایی با تحصیلات عالی را با بینش‌های نظری بیشتری در مورد تحرک، مهاجرت و ادغام در اروپای متحد ترکیب می‌کند. پژوهش *فاول* نشان می‌دهد که چرا تحرک بین‌المللی در اتحادیه اروپا هنوز استثنایی است (Favell, 2008: 256). یافته کلیدی فاول براساس مطالعه عمیق اعمال روزمره مردم در چند کشور اتحادیه اروپا به دست آمده و بر این ایده استوار است که جابجایی آزاد مردم اساساً با مهاجرت سنتی متفاوت است و اینکه تحرک غیرملی چون همگرایی اروپایی، فرد را وادار به شکستن قرارداد اجتماعی دولت-رفاه ملی می‌کند (Favell, 2008: 25). در نتیجه می‌توان اذعان کرد که پژوهش‌های فوق که نتیجه کار تحقیقاتی انسان‌شناسان و محققان کردارگرا هست صرفاً مکمل تحقیقات جریان اصلی نظری مطالعات اتحادیه اروپا نیست، بلکه یافته‌های تحقیقات جریان اصلی نظری مطالعه اتحادیه اروپا را نیز به چالش می‌کشد و گاهی اوقات در تضاد با آن است.

۲) تأکید بر فرآیندها و روابط: عبور از جوهرگرایی

بحث دوم در بسیاری از نظریه‌های کرداری این است که اکثر اشکال اجتماعی را نمی‌توان بدون توجه به کردارهای واقعی در جهان توضیح داد. به عبارت دیگر، آشکار شدن رویه‌های روزمره است که پدیده‌های بزرگ‌تر و واقعیت‌های اجتماعی جهان ما را تولید می‌کند. این نوع نگاه در تضاد با «جوهرگرایی»^{۲۶} است که بر بسیاری از شاخه‌های علوم اجتماعی مسلط هست. جوهرگرایی مدعی است که جوهر و یا واقعیت (اشیاء، موجودات، نهادها، ذات) «واحد» یا «سطوح» تحلیل هستند و قبل از تحلیل وجود دارند. در نظریه اجتماعی مدرن، این دیدگاه در بحث‌هایی درباره وجود اراده و فردگرایی روش‌شناختی بیان می‌شود (Bucher, 2018: 423).

در مطالعات اتحادیه اروپا نیز بر همین اساس، رویکردهای انتخاب عقلانی فرض می‌کنند که انسان‌ها و دولت‌ها برای به حداکثر رساندن سودمندی به صورت عقلانی عمل می‌کنند (Moravcsik, 1997). در حالی که بعدها سازه‌نگاران دریافتند که هنجارهای اجتماعی محرک اصلی رفتار است (Börzel & Risse, 2003: 823). همانطور که جوئل

25. Adrian Favell

26. Substantialism

ولف^{۲۷} به‌طور قانع‌کننده‌ای استدلال کرده که اکثر محققان اتحادیه اروپا فرض می‌کنند که قدرت در یک عامل ترجیحی (مثلاً انگیزه‌ها و منابع عامل، مطلوبیت منطقی به حداکثر رساندن گزینه‌های انتخابی، ایده‌ها و هنجارها) قرار دارد که سپس نتایج یا روابط بین عوامل تعیین‌کننده را تعیین می‌کند (Wolfe, 2011: 132).

اما از منظر کردارگرایی مشکل این است که چنین رویکردهایی مفاهیمی مانند یکپارچگی اروپایی، علیت و قدرت را حتی قبل از شروع تحلیل از پیش تعیین می‌کنند. در واقع، اکثر محققان اتحادیه اروپا تمایل دارند تا از کردارها دوری کنند یا از منافع یا بازیگران خاص به‌عنوان جایگزینی برای تحلیل کردارهای روزمره استفاده کنند. آنها اغلب به دنبال تغییرات برون‌زا هستند و خود تغییر را غیرقابل توضیح می‌گذارند. در مقابل، کردارگرایی همگرایی اتحادیه اروپا را از طریق هستی‌شناسی رابطه‌ای تفسیر می‌کند که در آن اشیاء یا ساختارها هویت ثابت و پایداری دارند یا اینکه در نقطه‌ای بسته می‌شوند (Bueger & Gading-er, 2015: 14).

برای بسیاری از کردارگرایان، کردارها برای زندگی اجتماعی پیامد دارند و این کردارها با پیش‌زمینه‌سازی عامل انسانی و توجه به تغییرات پایین به بالا در سیاست‌های روزمره مرتبط است (Hobson & Sea-brooke, 2009: 25). کیت مک نامارا^{۲۸} با تکیه بر کردارگرایی استدلال می‌کند که مشروعیت و اقتدار اتحادیه اروپا بر فناوری‌ها و تجربیات روزمره مردم از «واقعیت‌های اجتماعی» مانند سکه‌ها و اسکناس‌های یورو و همچنین معماری عمومی اتحادیه اروپا استوار است (McNamara-ra, 2015: 11). ویلیام والترز^{۲۹} نیز بر روی شیوه‌های مادی قابل مشاهده، متحرک و قابل محاسبه از نظر اسناد، نمودارها، فرم‌ها، گزارش‌ها، علائم و نمودارها در دادگستری و امور داخلی در اتحادیه اروپا تمرکز می‌کند (Walters, 2002: 84).

براین اساس، می‌توان اذعان کرد که کردارگرایی اصرار دارد که موقعیت‌ها یک واقعیت خاص را تشکیل می‌دهند که نمی‌توان آن را با دانستن ویژگی‌های عوامل شرکت‌کننده پیش‌بینی کرد. یک مثال خوب دیگر از نگاه کرداری به مطالعه همگرایی اروپایی کتاب ویرجینی ون‌انگلگوم^{۳۰} است که در مورد بی‌تفاوتی شهروندان نسبت به اتحادیه اروپا بحث می‌کند و براساس استفاده از روش ترکیبی از تحقیقات کمی و کیفی از مردم می‌خواهد احساس خود را در مورد اتحادیه اروپا به زبان خودشان ابراز کنند. در حقیقت، وینگلگوم با استفاده از پژوهش خود به

27. Joel Wolfe

28. Kate McNamara

29. William Walters

30. Virginie Van Ingelgom

ما یادآوری می‌کند که مطالعهٔ رویدادها، نهادها یا بازیگرانی که ممکن است از نقطه نظر ما پنهان باشد می‌تواند بر سیاست تأثیرگذار باشد (In-gelgom, 2017: 1362).

۳) مطالعهٔ عمیق روابط قدرت

یکی دیگر از اصول مهم کردارگرایی این است که روابط قدرت مملو از ظرفیت‌های نامتقارن، دسترسی متفاوت به منابع و منافع و هنجارهای متضاد هستند. درحالی که در روابط قدرت، اعمال‌کنندگان قدرت تصمیماتی می‌گیرند که ممکن است بر افراد ناتوان تأثیر بگذارد، اما ممکن است اعمال‌شوندگان قدرت نیز تصمیماتی بگیرند که ممکن است بر افراد بالادست تأثیر بگذارد. در این مورد، کردارگرایان در نحوهٔ نظریه‌پردازی قدرت باهم اختلاف دارند. برای مثال، در نگاه بوردیو، قدرت از طریق عینیت بخشیدن و نهادینه‌سازی روابط ذهنی رخ می‌دهد (Bourdieu, 1977: 53). اما از نظر گیدنز، قدرت عاملی برای «ایجاد تفاوت» در جهان شناخته شده و به‌عنوان «ابزاری برای انجام امور و کارها» تعریف می‌شود (Giddens, 1984: 283). نکتهٔ مهم این است که وقتی نوبت به تجزیه و تحلیل قدرت می‌رسد، اساساً کردارگرایی به انگیزه‌ها یا نیات علاقه‌ای نشان نمی‌دهد؛ زیرا از منظر محققان این فرآیند، واحدهای اساسی زندگی اجتماعی افراد نیستند، بلکه تعاملات اجتماعی هستند.

درحقیقت، در چشم‌انداز زندگی روزمره، سؤال اصلی پیرامون مسئلهٔ قدرت در رابطه با شایستگی افراد نیست، بلکه سؤال اصلی در مورد این است که چگونه عوامل روزمره میانجیگری می‌کنند و سیاست‌های نخبگان را شکل می‌دهند (Hobson & Seabrooke, 2009: 8). برای مثال، از نظر لوفور منطق نظم و انضباط در زندگی از تجارب روزمرهٔ بازیگرانی که جز نخبگان نیستند، منبث می‌شود؛ به‌طوری که تحت این شرایط، انضباط به خودانضباطی تبدیل می‌شود (Lefebvre, 2002: 94). باید به این موضوع توجه کرد که در رویکرد «سازمان‌یافته» کردارگرایی، انجام هر کردار حاوی ادعای ضمنی اقتدار است. درحقیقت، اینکه چه چیزی یک کردار مشخص را در یک زمینهٔ معین از سایر کردارها توانمندتر می‌کند، یک سؤال بسیار پیچیده است.

بر همین اساس، مطالعاتی که در قالب کردارگرایی به تحقیق در رابطه با اتحادیهٔ اروپا پرداخته‌اند نیز بر این موضوع صحه گذاشته‌اند. برای مثال، جفری لویس^{۳۱} در پژوهش خود فهرست بلندبالایی از «منابع نفوذ» را برای سفرا، از جمله: تخصص شخصی، تجربه، شخصیت، علاقه، اهمیت کشور، ارشدیت، رابطه با دیگران، موقعیت‌های رهبری رسمی و غیره شناسایی می‌کند (Lewis, 2005: 968). این مؤلفه‌ها بینش‌های بسیار جالبی ارائه می‌کنند، اما تا زمانی که زمینه‌ای نشده باشند، مطالعات در

31. Jeffrey Lewis

مورد اینکه آنها چگونه عمل سلسله‌مراتب اجتماعی را ایجاد می‌کنند، دشوار است. ربکا آدلر-نیشن^{۳۲} نیز در رابطه با مطالعات خود پیرامون «اتحادیه اقتصادی و پولی اتحادیه اروپا»^{۳۳} شکل خاصی از قدرت را به نام «سرمایه دیپلماتیک»^{۳۴} در شورای وزیران این سازمان اقتصادی شناسایی کرده است.

به نظر او سرمایه دیپلماتیک شکلی از سرمایه است که معنای آن دائماً مورد مذاکره قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال، او این موضوع را مشخص کرده است که برای تأثیرگذاری بر توسعه اتحادیه اقتصادی و پولی اتحادیه اروپا، مقامات وارد یک بازی طبقه‌بندی می‌شوند که مسائل اصلی و اولویت‌دار در آن این است که برای مثال اقتصاد سالم چیست و چگونه یک کشور عضو به‌عنوان یک پایتخت اروپایی عملکرد خوبی دارد. همچنین، او این موضوع را مورد مطالعه قرار داده است که سرمایه دیپلماتیک تنها در مذاکرات مشخص می‌تواند به نفوذ تبدیل شود.

بنابراین، در حالی که می‌توان گفت که یک کشور عضو دارای درجات مختلفی از قدرت عینی است - به‌عنوان مثال بریتانیا ۲۹ رأی و دانمارک دارای ۷ رأی در شورای وزیران است - این منبع تنها در صورتی می‌تواند به‌طور مؤثر اعمال شود که از طریق نقش‌های محدود تعریف‌شده و پذیرفته‌شده و سناریوهای تعریف‌شده توسط شورای وزیران هدایت شود. به‌عبارتی بهتر، برای تأثیرگذار بودن باید به هنجارهای غیررسمی حل مشکلات و اجماع احترام گذاشت. در نتیجه، در اینجا قدرت رأی دادن ممکن است هرگز به‌عنوان یک منبع مؤثر اعمال و در نظر گرفته نشود (Adler-Nissen, 2015: 159). در نتیجه، می‌توان اذعان کرد که در اینجا قدرت چیزی نیست که بتوان آن را به‌عنوان یک منبع یا قابلیت کلی ارزیابی کرد. به‌همین دلیل، قدرت باید به صورت استقرایی و از طریق زمینه‌سازی عمیق مورد مطالعه قرار گیرد.

۴) غلبه بر دوگانگی‌ها در هستی‌شناسی

یکی دیگر از ویژگی‌های محوری فرانظریه کردارگرایی غلبه بر هر نوع دوگانگی (ساختار و کارگزار، عین و ذهن و...) در هستی‌شناسی است. این موضوع در مطالعات همگرایی در اروپا نمود پیدا کرده است. در حقیقت، یک اصل کلیدی کردارگرایی، رد دوگانگی‌ها و به رسمیت شناختن «رابطه ذاتی بین عناصری است که اغلب به صورت دوگانه (تضادهای مفهومی چون ذهن و بدن، شناخت و عمل، عین و ذهن، ساختار و عامل، فرد و نهاد، اراده آزاد و جبر) با آنها برخورد می‌شود (Feldman & Orlikowsk, 2011: 1242). به‌عنوان مثال، نظریه کرداری بوردیو از

32. Rebecca Adler-Nissen

33. Economic and Monetary Union of the European Union

34. Diplomatic Capital

دوگانگی بین عاملیت و ساختار با مفهوم عادت، که تمایلی با تجربه برای کردار به شیوه‌های خاص است، فراتر می‌رود و شیوه‌های روزمره زندگی انسان را بررسی می‌کند.

هدف اصلی نظریه ساختاری آنتونی گیدنز (Giddens, 1984) نیز فراتر رفتن از دوگانگی عاملیت و ساختار است. براین اساس، در حالی که تضادهای دوگانه تحلیلی گاهی مفید هستند، نظریه کرداری اما شک و تردید را نسبت به آنها تشویق می‌کند تا از سویی از اشتباهات دوگانه و از سویی دیگر از «عینی‌گرایی مطلق» و «تقلیل ذهنی‌گرایانه» اجتناب شود (Joseph & Kurki, 2017: 77). در مطالعات همگرایی اتحادیه اروپا، رد این دوگانگی‌ها بسیار مهم است. در واقع، یکی از بحث‌های کلیدی در تحلیل‌های تصمیم‌گیری در همه سطوح در اتحادیه اروپا این است که آیا این ایده‌ها هستند که بازیگران را هدایت می‌کنند یا منافع (اعم از دولت‌ها یا مذاکره‌کنندگان فردی، نمایندگان پارلمان اروپا یا مقامات کمیسیون) (Hayes-Renshaw & et al, 2006).

باین حال، مشاهده تجربی تمایز بین منافع و ایده‌ها - در حالی که از نظر تحلیلی منطقی است - دشوار است. به‌عنوان مثال، میشل سینی^{۳۵} (۲۰۱۳) به این نتیجه می‌رسد که هم‌علاقه و هم‌ایده‌ها در مذاکره توافقنامه‌های بین‌نهادی اهمیت دارند (Cini, 2013). براین اساس، یک رویکرد کرداری استدلال می‌کند که جهان اجتماعی از چنین تمایزاتی فرار می‌کند. همچنین نیلو کاوپی^{۳۶} معتقد است که دیپلماسی کشورهای عضو در شورای اروپا از یک رویه خاص پیروی می‌کند. از منظر او آنچه رویکرد کرداری به تصمیم‌گیری کشورهای عضو در شورای اروپا را از رویکردهای سنتی‌تر متمایز می‌کند این است که تلاش می‌کند با اصرار بر این که کارگزاران (لزوماً) در پذیرش هنجارهای خاص اجتماعی نیستند، بر دوگانگی بین منافع و ایده‌ها غلبه کند (Kauppi, 2003: 777).

در همین راستا، سابین ساوروگر^{۳۷} معتقد است که برای درک پذیرش هنجارهای «مشارکت جامعه مدنی» و «دموکراسی مشارکتی» در تصمیم‌گیری اتحادیه اروپا، باید به مبارزات در سطح خرد نگاه کنیم. همانطور که او با وام گرفتن از رویکرد «روینگ گافمن»^{۳۸} نتیجه می‌گیرد که هنجارها نیازی به تغییر به سمت مادی شدن ندارند. آنچه مهم است این است که «آنها به‌عنوان یک چارچوب ظاهری کار می‌کنند که باید حفظ شوند، خواه احساسی در پشت آن ظاهر وجود داشته باشد یا نه» (Sauruger, 2010: 475).

35. Michelle Cini

36. Niilo Kauppi

37. Sabine Sauruger

38. Erving Goffman

۵) استفاده از روش‌های کاربردی و بنیادی در مطالعات و تحقیقات

کردارگرایان در بررسی‌ها و مطالعات خود از روش‌های مختلفی استفاده می‌کنند. در واقع، به دلیل ماهیت خاص کردار در جامعه، روش‌های بررسی و مطالعه آن نیز خاص است. البته، روش‌های موردعلاقه نظریه‌پردازان کردارگرا، لزوماً مختص کردارگرایی نیستند، اما زمانی که به حوزه کردارها مربوط می‌شود به روش‌های خاصی اجرا می‌شوند. یکی از پیشنهادات وینسنت پولیو^{۳۹} در رابطه با روش‌شناسی کردارگرایی استفاده از یک روش تحقیقاتی دوجانبه برای «کردارهای سازمان‌یافته» است: اولاً، او استدلال می‌کند که فرد نیاز به دسترسی مستقیم یا غیرمستقیم به کردارها دارد. از آنجا که دسترسی مستقیم به کردارها اغلب پیچیده است، گاهی اوقات باید محورهای روش‌شناختی را با محاسن و محدودیت‌هایشان تصور کرد. ثانیاً، باید منطق طبیعی کردار را بازسازی کرد. در حقیقت، منطق‌های کرداری را می‌توان از طریق روش‌های مختلف، از جمله ترکیب روش‌های مختلف یا روش‌های ترکیبی، به صورت تفسیری استنباط کرد (Adler, 2012: 45). به‌طور کلی، روش‌هایی که برای مطالعات کرداری استفاده می‌شوند در درون خود اشتراکاتی دارند که در زیر به‌طور خلاصه به آنها خواهیم پرداخت:

روش اصلی که نظریه‌پردازان کردارگرا در جمع‌آوری داده‌ها از آن استفاده می‌کنند، عموماً مصاحبه کیفی است. مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته نیز می‌تواند به بازسازی فضاهای موقعیتی کمک کند. مصاحبه‌ها مهم هستند، نه به این دلیل که مصاحبه‌شونده‌ها یک بُعد از حقیقت را می‌دانند، بلکه به این دلیل که حقایق خاص آنها ارزشمند هستند. از منظر کرداری، مصاحبه‌کنندگان و مطلعان همیشه فعالانه در ساخت معنا مشغول هستند. محققین کردارگرا زمانی را صرف می‌کنند و از مصاحبه‌شوندگان می‌خواهند تا به تفصیل شرح دهند که آنها و همکاران و دوستانشان چگونه کار خود را انجام می‌دهند، برنامه روزانه‌شان چگونه است، با چه کسی مرتب ملاقات می‌کنند، انواع مذاکراتی که انجام می‌دهند و غیره. باید به این موضوع توجه کرد که ساخت راهنمای مصاحبه و همچنین تفسیر داده‌های مصاحبه شامل قوانین کدگذاری از قبل تعریف‌شده نیست. در عوض، این تفسیر بر اساس ساختار دقیقی از نحوه درک عوامل خود و شرایط آنها برای کردار است. البته این لزوماً به معنای کار میدانی طولانی‌مدت نیست، اما ممکن است مستلزم صرف زمان بیشتری در بروکسل (مقر اتحادیه اروپا) نسبت به مصاحبه کیفی استاندارد باشد (Adler-Nissen, 2014: 22-23).

روش دوم «قوم‌نگاری»^{۴۰} است که با نگاه نزدیک بر روی جامعه و افراد و نهادها در زمان واقعی میسر می‌شود و در آن محقق به این موضوع می‌پردازد

39. Vincent Pouliot

40. Ethnography

که افراد و نهادها چگونه و چرا عمل می‌کنند، فکر می‌کنند و احساس می‌کنند (Montsion, 2018: 9). این روش می‌تواند بینش ویژه‌ای برای مطالعه اتحادیه اروپا ارائه دهد. البته، مزیت عمده مشاهدات مشارکتی و قوم‌نگارانه در امکان درک دقیق فرآیندهای سیاسی با مشاهده مسیرهای تصمیم‌گیری در زمان وقوع و دسترسی مستقیم به بازیگران سیاسی درگیر نهفته است. قوم‌نگاری به محقق اجازه می‌دهد تا جزئیات پیش‌پافتاده‌ای را که می‌تواند بر سیاست تأثیر بگذارد را با توصیفی عمیق ارائه دهد.

از سویی دیگر، نزدیکی به نمونه مطالعه به ما امکان می‌دهد تا مجموعه‌ای از الگوهای متعارض، سلسله‌مراتب و هویت‌ها را که قبلاً ارزیابی نشده‌اند را شناسایی کنیم (MacKay & Levin, 2015: 169). همانطور که *ایرن بلیر*^{۴۱} می‌نویسد «مشاهده روابط اجتماعی و فرهنگی به صورت عینی از نظر کیفیت داده‌ها بسیار کارآمدتر از تلاش برای توجیه یک مدل نظری از پیش تثبیت شده از تعامل است که بدون دانستن هیچ یک از شرایط اجتماعی که بخشی از آن است، تنظیم می‌شود» (Bellier, 2002: 216).

شواهد نیز نشان می‌دهد که قوم‌نگاری نهادهای اتحادیه اروپا و فراتر از آن می‌تواند نتایج استثنایی به همراه داشته باشد. یک مثال می‌تواند تحلیل *استاسیا زابوسکی*^{۴۲} در رابطه با بخش علوم فضایی «آژانس فضایی اروپا»^{۴۳} باشد. زابوسکی به صراحت از کردار گرایبی استفاده می‌کند. تحقیقات او بر اساس نزدیک به یک سال کار میدانی در مقر آژانس فضایی اروپا در هلند است که بر معانی مختلف همکاری بین دانشمندان فضایی متمرکز است. او ادعا می‌کند که دانشمندان فعالانه کردارهای روزمره خود را به چیزی مقدس تبدیل می‌کنند. به گفته زابوسکی، رویای مدرنیته دانشمندان آژانس علوم فضایی اروپا، جستجوی وحدت از طریق سفر مقدس به فضای بیرونی است، جایی که طبیعت ناب از طریق ماهواره و ابزار آن جذب می‌شود (Zabusky, 2011: 19-20).

در کنار این، داده‌های آرشیوی، اسناد رسمی و سایر متون مکتوب نیز ممکن است در کردار گرایبی از ارزش بسیار مهمی برخوردار باشند. در اینجا متن به‌عنوان نوعی داده خالص در نظر گرفته نمی‌شود، در عوض هدف تلاش برای بازسازی تولید روزانه تصمیم‌ها و بازتاب کنش تصمیم‌گیرندگان در یک کردار خاص است. در مطالعاتی که *ریکا آدلر-نيسن* بر روی «دیپلماسی انصرافی»^{۴۴} در اتحادیه اروپا انجام داده است، دسترسی به مطالب آرشیوی در وزارت امور خارجه دانمارک بسیار متمرکز بوده است. در واقع، این موضوع این امکان را برای وی فراهم کرد تا بتواند چگونگی حذف تدریجی کشورهای اروپایی مانند بریتانیا و دانمارک را به گونه‌ای که نمی‌توان به اندازه کافی در مصاحبه یا از طریق مشاهدات به تنهایی توضیح داد؛ به چالش بکشد.

41. Irène Bellier

42. Stacia Zabusky

43. European Space Agency

44. Diplomacy of Opting Out

او با بررسی مکاتبات ایمیلی بین نمایندگان بریتانیا و دانمارک، مؤسسات اتحادیه اروپا و سایر کشورهای عضو، پیش‌نویس‌ها، اسکناس‌ها و غیره، متوجه شد که مقامات بریتانیایی در بحث طولانی کمیته‌مقدماتی درباره طراحی سکه‌ها و اسکناس‌های واحد پول شرکت فعال داشتند. برای مثال، آنها پیشنهاد کردند که نشان‌های ملی باید حداقل ۲۰ درصد از سکه‌ها و اسکناس‌ها را به خود اختصاص دهند. این اطلاعات به آدلر-نیسن کمک کرد تا حرکات روزمره یک کشور عضو در اتحادیه را بازسازی کند که ممکن است در انظار عمومی به عنوان یک ضد همگرایی در اروپا ظاهر شود، اما در پشت‌صحنه طور دیگر مذاکره می‌کند، گویی که تابع قوانین مشابه اعضای منطقه یورو است. (Adler-Nissen, 2014: 98-100)

در پایان نیز باید اذعان کرد که کار میدانی، مشاهده شرکت‌کنندگان، مصاحبه‌های عمیق و سایر روش‌های کردارنگاری بدون چالش نیستند. اولاً، درخواست‌ها برای انجام مشاهدات مشارکت‌کنندگان در نهادهای اتحادیه اروپا می‌تواند به دلایل محرمانه رد شود (Bellier, 2002: 214). این موضوع شامل مسائل شرایط دسترسی به اطلاعات نیز است، زیرا حساسیت بالای برخی از اطلاعات، گاهی اوقات نیازمند به ناشناس ماندن شخص اطلاع‌رسان هست. همچنین محقق در ایجاد اعتماد و دستیابی به دسترسی اطلاعات باید به مسائل اخلاقی مهم در رابطه با برخورد با مطالب بحث برانگیز، شخصی یا محرمانه و همچنین حفاظت از اطلاع‌دهندگان در برابر خطرات سوءتعبیر به حساسیت‌های فرهنگی، ملی و بومی نیز توجه کند (Crawford & et al, 2017: 188). ثانیاً باید توجه کرد که زمینه همگرایی اروپا لزوماً نمی‌تواند به یک موقعیت فیزیکی خاص محدود شود. «فضاهای اجتماعی به هم پیوسته»، «سرزمین مرزی» و «اقوام جهانی» تنها برخی از مفاهیم جایگزین برای به تصویر کشیدن فرسایش و درهم‌تنیدگی مرزهای سرزمینی، فرهنگی و ارتباطی هستند. براین اساس، برای مطالعه همگرایی در اتحادیه اروپا توجه به این امر مهم است، زیرا در نظر گرفتن این موضوع مدل‌های تحلیلی به محققان برای رصد سیاست‌گذاران و تحلیل سیاست‌ها، مهاجران، مشاوران، دانشجویان و پناهندگان در اروپا ارائه می‌دهد.

نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر، نظریه کردارگرایی و استفاده از آن در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی مورد توجه واقع شده است. با ورود مباحث مهم کردارگرایی به روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای در سال‌های اخیر شاهد افزایش توجه به کردارهای روزمره و نقش آنها در همگرایی اروپا بوده‌ایم. این مقاله با تکیه بر افزایش توجه و علاقه به تحلیل‌های جامعه‌شناسانه و انسان‌شناسانه از همگرایی در اروپا استدلال می‌کند که این مطالعات متأثر از چرخش کرداری در روابط بین‌الملل بوده‌اند که ظرفیت ایجاد بینش‌های عمیق و جدیدی در مورد اتحادیه اروپا و همگرایی در آن دارند. آنچه مهم است این است که کردارگرایی با هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی

و روش‌شناسی خاص، تکثرگرا و گلچینی خود زمینه مطالعات عمیقی را در رابطه با چگونگی همگرایی در اروپا فراهم آورده است.

اساساً این مطالعات، بررسی لایه‌های پنهان همگرایی در اروپا را فارغ از بررسی نهادی و سیستمی آن و با مطالعه کردارهای روزمره فراهم آورده است. از این منظر، این امر در نوع خود به معنای توسعه نظری مطالعات همگرایی در روابط بین‌الملل خواهد بود. زمینه مطالعه همگرایی در اروپا از منظر کردارگرایی شاید در درون خود چالش‌های علمی، عملی، زمانی، مکانی و روش‌شناسانه داشته باشد، زیرا مطالعه کردارهای روزمره و یا عادت‌واره‌ها مستلزم حضور میدانی پژوهشگر در میدان و کنشگری در میان کنشگران اصلی است. اما با وجود این، شواهد نشان می‌دهد که مطالعه اروپا از این منظر می‌تواند زوایای پنهان رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌های کنشگران درگیر در همگرایی را به صورت عمیق توضیح دهد.

همچنین باید توجه کرد که کردارگرایی همگرایی را از پایین به بالا مطالعه می‌کند، محقق در آن در بطن ایده و موضوع قرار می‌گیرد و به صورت خاص کردارهای مربوط به موضوع را مورد کنکاش قرار می‌دهد. در نتیجه، به باور بسیاری از محققان مطالعات منطقه‌ای، این نظریه به جهت برخورداری از هستی‌شناسی تکثرگرا و همچنین به دلیل حضور مستقیم محقق در میدان عمل از کفایت لازم و کافی در تحلیل و بررسی علمی و عملی برخوردار است. با وجود این، بسیاری معتقدند که ماهیت گلچینی و تکثرگرایی این رویکرد نظری ابطال‌گرایی علم - که یکی از پیش‌زمینه‌های اصلی علمی تلقی کردن یک ادعا و فرضیه است - را انکار می‌کند.

از سویی دیگر، بسیاری معتقدند که روش‌هایی که کردارگرایی در مطالعات خود استفاده می‌کند، روش‌های غیرعلمی و غیرقابل اتکایی هستند که محقق را در پیش‌بردن مطالعات خود گمراه می‌کنند. همچنین آنها معتقدند که کردارگرایی از منطق، اصول و استانداردهای علمی تبعیت نمی‌کند. با وجود این، نکته مهم این است که کردارگرایی توانسته است نگرشی نوین، زمینه‌مند، عمیق و از پایین به بالا را برای مطالعه همگرایی در اروپا فراهم آورد، نگرشی که می‌تواند سایر رویکردهای نظری سنتی در این حوزه را به چالش بکشد و بر عدم کفایت نظری آنها صحه بگذارد. بنابراین، کاربست این رویکرد نظری در حوزه مطالعات همگرایی در سایر مناطق از جمله غرب آسیا امری ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

- بیوگر، ک.، و گادنیجر، ف. (۱۴۰۰)، نظریه کردارگرایی بین‌الملل: چشم‌اندازهای نوین. (س. ج. دهقانی فیروزآبادی، مترجم) تهران: ابرار معاصر.
- دهقانی فیروزآبادی، س.، و رادفر، ف. (۱۴۰۱)، مبانی فرانظری کردارگرایی در روابط بین‌الملل. مطالعات راهبردی، ۳(۹۷)، ۱۹۵ - ۲۲۶.

- Adler, E. (2008), The Spread of Security Communities: Communities of Practice, Self-Restraint, and NATO's Post-Cold War Transformation. *European Journal of International Relations*, 14(2), 195–230.
- Adler, E., & Pouliot, V. (2011), *International Practices*. New York: Cambridge University Press.
- Adler-Nissen, R. (2012), Bourdieu in International Relations: Rethinking Key Concepts in IR. Routledge.
- Adler-Nissen, R. (2014), *Opting Out of the European Union: Diplomacy, Sovereignty and European Integration*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Adler-Nissen, R. (2015), Towards a Practice Turn in EU Studies: The Everyday of European Integration. *Journal of Common Market Studies*. doi:<https://doi.org/10.1111/jcms.12329>
- Ban, C. (2013), Management and Culture in an Enlarged European Commission: From Diversity to Unity? Houndmills: Palgrave Macmillan.
- Bellier, I. (2002), In and out, fieldwork in a political space: the case of the European Commission. *Österreichische Zeitschrift für Politikwissenschaft*, 31(2), 205-216.
- Börzel, T., & Risse, (2003), Conceptualizing the domestic impact of Europe. *The Politics of Europeanization*, 57–82.
- Bourdieu, P. (1977), *Outline of a Theory of Practice*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Bucher, B. (2018), Moving beyond the substantialist foundations of the agency-structure dichotomy: figurational thinking in international relations. *Journal of International Relations and Development*, 11(1), 408–433.
- Bueger, C., & Gadinger, F. (2015), *International Practice Theory: New Perspectives*. Houndmills: Palgrave Macmillan.
- Checkel, J. T. (2005), International Institutions and Socialization in Europe: Introduction and Framework. *International Organization*, 59(4), 801-826.
- Cini, M. (2013), EU Decision-Making on Inter-Institutional Agreements: Defining (Common) Rules of Conduct for European Lobbyists and Public Servants. *West European Politics*, 36(6), 1143-1158.
- Crawford, G., Jaspersen, L., Kruckenberg, L., & Lou, N. (2017), *Understanding Global Development Research: Fieldwork Issues, Experiences and Reflections*. SAGE.
- Deutsch, K. W. (1957), *Political Community and the North*

- Atlantic Area. International Organization in the Light of His. Princeton: Princeton University Press.
- Diez, T. (2004), Europe's others and the return of geopolitics. Cambridge Review of International Affairs, 17(2), 319-335.
 - Favell, A. (2008), Eurostars and Eurocities: Free Movement and Mobility in an Integrating Europe. Oxford: WileyBlackwell.
 - Feldman, M., & Orlikowsk, W. (2011), Theorizing practice and practicing theory. Organization Science,, 5(22), 1240-1253.
 - Giddens, A. (1984), The Constitution Of Society: Outline of the Theory of Structuration. Cambridge: Polity Press.
 - Hayes-Renshaw, F., Van Aken , W., & Wallace, H. (2006), When and why the EU Council of Ministers votes explicitly. Journal of Common Market Studies., 44(1), 161-194.
 - Hix, S. (1998), The study of the European Union II: the 'new governance' agenda and its rival. Journal of European Public Policy, 5(1), 38-65.
 - Hobson, J., & Seabrooke, L. (2009), Everyday international political economy In Blyth. Routledge Handbook of International Political Economy: IPE as a Global Conversation: Milton Park: Routledge.
 - Ingelgom, V. V. (2017), Integrating Indifference: A Comparative, Qualitative and Quantitative Approach to the. West European Politics, 38(6), 1363-1365.
 - Joseph, J., & Kurki, M. (2017), The limits of practice: why realism can complement IR's practice turn. International Theory, 10(1), 71-97.
 - Kauppi, N. (2003), Bourdieu's Political Sociology and the Politics of European integration. Theory and Society, 32(5), 775-789.
 - Kohler-Koch, B., & Rittberger, B. (2006), Review Article: The 'Governance Turn' in EU Studies. Journal of Common Market Studies, 44(1), 27-49.
 - Lechner , S., & Frost , M. (2018), Practice Theory and International Relations. Cambridge: Cambridge University Press.
 - Lefebvre, H. (2002), Critique of Everyday Life (Vol. 2). London: Verso.
 - Lewis, J. (2005), The Janus Face of Brussels: Socialization and Everyday Decision Making in the European Union. International Organization, 59(4), 937-971.

- MacKay, J., & Levin, J. (2015), Hanging Out in International Politics: Two Kinds of Explanatory Political Ethnography for IR. *International Studies Review*, 17(2), 163-188.
- McDonald, M. (2000), McDonald, M. (2000) 'Accountability, Anthropology, and the European Commission In Strathern, M. (ed) *Audit Cultures: Anthropological Studies in Accountability, Ethics, and the Academy* . New York: Routledge.
- McNamara, K. (2015), *The Politics of Everyday Europe: Constructing Authority in the European Union*. Oxford: Oxford University Press.
- Mitchell, J. P. (2000), *Ambivalent Europeans: Ritual, Memory and the Public Sphere in Malta*. London: Routledge.
- Montsion, J. M. (2018), Ethnography and international relations: situating recent trends, debates and limitations from an interdisciplinary perspective. *The Journal of Chinese Sociology*, 5(9).
- Moravcsik, A. (1997), Taking preferences seriously: A liberal theory of international politics. *International Organization*, 51(4), 513-553.
- Naurin, D., & Rasmussen, A. (2011), respond when inter-institutional rules change New external rules, new internal games: how the EU institutions. *West European Politics*, 34(1), 1-17.
- Neumann, I. (2002), Returning Practice to Linguistic Turn: The Case of Diplomacy. *Millennium – Journal of International Studies*, 31(3), 627–51.
- Neumann, I. B. (2012), At Home with the Diplomats: Inside a European Foreign Ministry. *Expertise: Cultures and Technologies of Knowledge*, 232. Retrieved from <https://www.jstor.org/stable/10.7591/j.ctt7zjmn>
- Peltonen, H., & Traisbach, K. (2021), In the midst of theory and practice: a foreword. *International Theory*, 13(3), 508–512.
- Sassatelli, M. (2000), The Arts, the State, and the EU: cultural policy in the making of Europe. *Social Analysis*, 21(1), 28-41.
- Saurugger, S. (2010), The social construction of the participatory turn: The emergence of a norm in the European Union. *European Journal of Political Research*, 49(4), 471-495.
- Schatzki, T. (2002), *The Site of the Social: A Philosophical Account of the Constitution of Social Life and Change*. University Park, PA: Pennsylvania State University Press.
- Schatzki, T. (2012), A Primer on Practices'. In J. Higgs et al

- (eds) Practice-Based Education (Rotterdam:SensePublishers), pp. 13-26.
- Schimmelfennig, F. (2006), The community trap: Liberal norms, rhetorical action, and the eastern enlargement of the European Union. *International Organization*, 55(1), 47-80.
 - Shore, C. (2011), European Governance' or Governmentality? The European Commission and the Future of Democratic Government. *European Law Journal*, 17(3), 287-303.
 - Stappert, N. (2020), The Art of Aiming at a Moving Target: A Critique of Lechner and Frost's Practice Theory and International Relations. *Global Constitutionalism*, 9(1).
 - Walters, W. (2002), The power of inscription: beyond social construction and deconstruction in European integration studies. *Millennium-Journal of International Studies*, 31(1), 83-108.
 - Wenger, E. (1998), *Communities of Practice: Learning, Meaning and Identity*. Cambridge: Cambridge University.
 - Wiener, A. (1993), *European'Citizenship Practice: Building Institutions of a Non-State*. Boulder: Westview Press.
 - Wolfe, J. (2011), Who rules the EU? Pragmatism and power in European integration theory. *Journal of Political Power*, 4(1), 127-144.
 - Zabusky, S. (2011), *Launching Europe: An Ethnography of European Cooperation in Space Science*. Princeton: Princeton University Press.

پښتانه
پښتانه
پښتانه